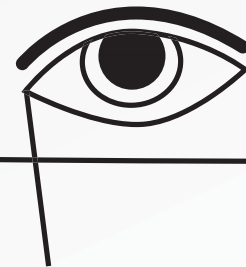


آنچه یک مشاور در آموزش مبانی تربیت جنسی باید بداند

دکتر صغری ابراهیمی قوام

دانش‌یار گروه روان‌شناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی



چکیده

تربیت جنسی بعدی از تربیت است که از ابتدای تولد کودک مطرح می‌باشد. تربیت جنسی یک فرایند مادام‌العمر از کسب اطلاعات و تشکیل نگرش‌ها، باورها و ارزش‌ها در مورد موضوعات مهمی همچون رشد جنسی، هویت، روابط بین فردی، احساسات، صمیمیت، تصویر بدن، مفاهیم و نقش‌های جنسیتی تا بهداشت باروری است. تربیت جنسی شامل ابعاد متنوعی از جمله ابعاد زیستی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و معنوی است که از دامنه شناختی (اطلاعات) تا دامنه عاطفی (احساسات، ارزش‌ها و نگرش) و حوزه رفتاری (ارتباطات، تصمیم‌گیری، و دیگر مهارت‌های فردی) را دربرمی‌گیرد. هدف کلی تربیت جنسی این است که افراد، در سنین مختلف، دانش و مهارت‌های لازم را برای ارتقای سلامتی و بهزیستی خود کسب کنند تا بتوانند به‌عنوان یک بزرگسال زندگی جنسی سالمی داشته باشند. بنابراین در تربیت جنسی به موضوعاتی همچون ارائه اطلاعات دقیق در مورد تمایلات جنسی انسان، توسعه و درک ارزش‌ها، رفتارها، بینش در مورد روابط جنسی، کمک به مخاطبان در توسعه روابط و مهارت‌های فردی؛ پیشگیری از ابتلا به بیماری‌های مقاربتی و بارداری ناخواسته و... توجه می‌شود.

همچنین بسیاری از آموخته‌های افراد براساس مشاهده رفتار و واکنش‌های سایر افراد نسبت به جنسیت خود شکل می‌گیرد و اگر آگاهی لازم نسبت به موضوعات تربیت جنسی برای فرد، مراقبت‌کنندگان و والدین وجود نداشته باشد چه بسا سوءتعبیرها و مفاهیم نادرستی نسبت به مفهوم جنسیت، شیوه‌های مراقبت از خود و ده‌ها مسئله دیگر در روند رشد و تحول فرد به‌وجود آید که مفهوم خود، خودارزشمندی و خودانگاره‌های بدنی وی را به‌شدت متأثر سازد. این مقاله در پی آن است تا به مرئبان و مشاورانی که درصدد مطرح نمودن مباحث تربیت جنسی با والدین و کودکان هستند، نکاتی را یادآور شود تا از این طریق یادگیری و انتقال مفاهیم این حوزه را تأثیرگذار سازد.

کلیدواژه‌ها: تربیت جنسی، مشاوران، مدرسان آموزش خانواده، دانش‌آموزان.



مقدمه

بر معنای زندگی وی و تصمیماتی که برای زندگی حال و آینده خود می‌گیرد، تأثیر بگذارد و زمینه رشد بالغانه وی را در عرصه روابط بین فردی و مسئولیت‌های آتی زندگی خانوادگی به‌دنبال داشته باشد.

تربیت جنسی با تربیت اجتماعی، تربیت بدنی و تربیت اخلاقی رابطه‌ای تنگاتنگ دارد؛ بدین معنی که از زمانی که ادراک اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی فرد رشد و گسترش یافته و ظرفیت‌های بدنی او رشد و گسترش می‌یابند، چارچوب‌های ارزشی و اخلاقی نسبت به این روابط نیز شکل می‌گیرد. توجه به این ابعاد در کنار تربیت جنسی باید مورد توجه مرئبان، والدین، مشاوران و دیگر دست‌اندرکاران حوزه آموزش و پرورش و سایر نهادهای اجتماعی قرار گیرد تا افراد تصویر درستی نسبت به خود، تعاملات اجتماعی، حقوق، ارزش‌های اخلاقی و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی بیابند. با توضیح‌هایی که ارائه شد اکنون می‌توان رهنمودهای زیر را برای رشد و توسعه مفاهیم تربیت جنسی پیشنهاد نمود:

۱. مشاوران و مرئبان در طرح مباحث تربیت جنسی حتی الامکان همجنس مخاطبان باشند تا آنان در جلسات احساس راحتی کنند و قادر به بیان مسائل و تجارب خود در این زمینه باشند. مشاوران همچنین باید افرادی با سوابق علمی و تجربی لازم در این حوزه باشند و صلاحیت آنان مورد تأیید مراجع علمی قرار گیرد.

۲. مشاور این حوزه باید، از یک‌سو، اساس کارش را بر چارچوب نظری و علمی پذیرفته شده قرار دهد و از سوی دیگر، با در نظر گرفتن ملاحظات محلی یا ابعاد بوم‌شناختی و عرفی، مسائل مربوط به این حوزه را مطرح نماید.

تربیت جنسی محدود به زمان خاصی نیست بلکه جنبه‌ای از رشد و تحول کودک از هنگام تولد به بعد می‌باشد؛ از این رو همان‌گونه که برای تربیت بدنی، تربیت اجتماعی و تربیت معنوی کودک باید برنامه‌ریزی کرد و فرصت‌های آموزشی مختلف را برایش تدارک دید. باید نسبت به این حوزه نیز آگاهی‌های لازم را کسب نمود تا کودک، بنا به نیاز و درک خود، و در مسیر رشد تدریجی خود تا جوانی دانش، نگرش و رفتارهای مناسب را در این خصوص کسب نماید. چنین آموزشی دربرگیرنده مسائلی همچون درک و شناخت تمایلات جنسی انسان، از جمله روابط عاطفی و مسئولیت‌های فردی، آناتومی اندام‌های جنسی، فعالیت جنسی، تولید مثل جنسی، سن قانونی، بهداشت باروری، حقوق باروری، رابطه جنسی سالم، کنترل تولد، پرهیز جنسی و جلوگیری از بارداری است. شیوه مشترک آموزش مسائل تربیت جنسی از طریق والدین و مراقبان، برنامه‌های رسمی مدرسه و برنامه‌های آموزش همگانی، بهداشت عمومی است. بنابراین، تربیت جنسی مبحثی فیزبولوژیک، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی است.

تربیت جنسی یکی از راه‌های مؤثر در حفاظت، بهبود و توسعه خانواده، براساس ایده‌های اخلاقی است و امری پذیرفته شده است. نادانی و جهل در این حوزه مهم تربیتی می‌تواند زمینه‌ساز بروز انواع آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی-فرهنگی گردد. برای یک کودک خردسال درک دختر بودن یا پسر بودن و مراقبت از خود یکی از مفاهیم اساسی در تربیت جنسی اوست و برای یک نوجوان درک ظهور علائم ثانویه جنسی، کارکردهای اندام جنسی و... می‌تواند





۳. مشاور باید آگاهی و شناخت لازم و کافی از ویژگی‌های تحول سنی، نیازهای شناختی، نیازهای نگرشی و صلاحیت‌های رفتاری کودک و نوجوان داشته باشد. وی هنگامی که می‌خواهد برای مادری که به تازگی و برای اولین بار صاحب فرزند شده یا برای مادری که دارای کودک خردسال، دبستانی یا دارای فرزند نوجوان هستند صحبت کند، باید بداند که هر یک از آن‌ها نیازهای آموزشی متفاوتی دارند و نمی‌تواند برای همه آن‌ها با یک زبان صحبت کند. این امر مستلزم آن است تا مشاور نسبت به نظریه‌های رشد و تحول جنسیتی و جنسی در این حوزه اشراف داشته باشد و موضوع تربیت جنسی را به‌عنوان یک فرایند تربیتی، امری مداوم و پیوسته و در حال تحول معرفی کند که می‌تواند تحت تأثیر عوامل بی‌شماری، از جمله رفتار اطرافیان، رسانه‌ها و ده‌ها منبع اطلاعاتی دیگر قرار گیرد.

۴. اصل بنیادی در تربیت، به‌ویژه تربیت جنسی، رشد محور بودن

مشاوری که به آموزش مباحث تربیت جنسی می‌پردازد باید اطلاعات علمی و پزشکی دقیق در مورد موضوعات جنسی انسان داشته باشد، مسلط بر موضوع باشد، بتواند به راحتی در باره آن صحبت کند و دارای شایستگی فرهنگی و توانایی برقراری ارتباط با مخاطب نیز باشد. او همچنین باید از مهارت‌های تدریس مؤثر بهره گیرد و محیط یادگیری راحت و ایمنی را برای همه مخاطبان فراهم آورد

در تربیت جنسی تمامی عوامل مدرسه همراستای با مشاور باید رفتارها، نگرش‌ها و اطلاعات مناسب و درخور سن کودک و نوجوان را به وی ارائه دهند. هرگونه تناقض و تشکیک در تربیت، به‌ویژه تربیت جنسی، زمینه‌ساز تعارضات و مشکلات روانی و رفتاری در یادگیرندگان و مخاطبان است

اینجاست که باید گفت در بیان چنین مباحثی شاید بهتر باشد از موضوعات بین رشته‌ای و چند رشته‌ای مانند جامعه‌شناسی، بهداشت، روان‌شناسی و... استفاده شود و در آموزش این مباحث به والدین و دیگر مخاطبان بر پیوستگی و ارتباط تنگاتنگ این نوع تربیت با سایر ابعاد تربیتی تأکید گردد.

۶. مشاوران برای بیان مطالب مناسب و درخور برای مخاطبان باید از طریق نیازسنجی اولیه‌ای که کاملاً مبتنی بر مباحث حوزه تربیت جنسی باشد اقدام به سطح‌بندی مخاطبان نمایند و اگر مخاطبان والدین هستند با توجه به ملاحظاتی چون سطح سواد، حرفه، تجارب، تعداد فرزندان، دامنه سنی فرزندان، تک سرپرست بودن خانواده و... مباحثی را به مواد آموزش خود اضافه کنند تا مخاطبان حداکثر استفاده از مطالب ارائه شده را داشته باشند.

۷. مشاورانی که در ارتباط با کودکان و نوجوانان یا آموزش خانواده فعالیت می‌کنند باید دانش، نگرش و رفتار مناسب در حوزه تربیت جنسی را کسب کنند. بدین طریق که با استفاده از منابعی که در این حوزه وجود دارد به خوبی مفاهیم، مسائل و موضوعات مربوط به این مبحث را از لحاظ علمی درک نماید. باید نسبت به نگرش‌های مربوط به حوزه تربیت و آموزش جنسی وقوف یابد و در صورتی که تاکنون دارای سوگیری یا سوءتعبیر نسبت به موضوعات تربیت جنسی بوده است آن‌ها را مورد تجدیدنظر قرار دهد تا بتواند در انتقال نگرش‌های مناسب جنسیتی و جنسی به شکل مقتضی و تأثیرگذار

عمل نماید. تأکید بر این نکته به این دلیل است که هر مشاور، معمولاً همراه با انتقال اطلاعات و دانش خود نگرش‌هایش را هم در حین آموزش به مخاطبان منتقل می‌کند. علاوه بر این، نوع رفتار و اعمال خود مشاور در حین آموزش مفاهیم تربیت جنسی، باید حاکی از صلاحیت و شایستگی وی در تسلط بر این مباحث باشد.

۸. هر مشاور باید محتوای آموزشی خود را محور سؤال‌های چه کسی؟ چرا؟ چه چیزی؟ چگونه؟ برای مخاطبان‌ش ارائه دهد. این راهبرد در سازمان‌دهی محتوا باعث می‌شود تا مخاطبان قادر به درک اهمیت موضوع شوند. محور «چه کسی؟» به بُعد مخاطب‌شناسی اشاره دارد که هر مشاور قبل از شروع آموزش‌های خود باید نسبت به آن آگاهی داشته باشد. این امر زمینه تدوین محتوا را، به لحاظ سطح سادگی یا دشواری مفاهیم، استفاده از فنون مختلف آموزش مانند پرسش و پاسخ، سخنرانی، روش‌های مشارکتی و... تعیین می‌کند.

در محور «چرا؟» اهمیت و ضرورت پرداختن به مباحث مطرح

آن است، لذا بایستی بنا به طرز تحول و رشد مخاطب چارچوب آن طراحی و اجرا شود. مانند هر برنامه تربیتی مهم دیگر، تربیت جنسی باید متفکرانه، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی شود. برای نیل به این منظور باید آن برنامه منعکس‌کننده نیازهای مخاطبان و جامعه باشد.

۵. چنان‌که قبلاً اشاره شد، تربیت جنسی امری رشد‌مدار یا رشد‌محور است و شامل ابعاد مختلفی به شرح زیر می‌باشد.

الف. بعد جسمانی: بدن افراد در سنین مختلف به لحاظ وضعیت ظاهری رشد می‌کند و این امر در قد و وزن و کارکرد اندام‌های مختلف ظهور می‌یابد و خود موجب تفاوت کودک از فرد بالغ می‌گردد. ب. بعد شناختی: مغز، اندامی در حال رشد است که از تولد تا نوجوانی رشد و تحول می‌یابد و توانایی تفکر، سازماندهی، حل مشکلات و پیش‌بینی عواقب رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ج. بعد روانی، اجتماعی و عاطفی: افراد در حین تعامل با دیگران شیوه‌های برقراری، تداوم و خاتمه بخشیدن به روابط را از خانواده، دوستان، رسانه‌ها و... می‌آموزند و این امر در نحوه شناخت، درک و تسلط بر احساسات خود و دیگران بسیار مؤثر است و زمینه شکل‌گیری و تکامل هویت؛ و خودپنداره آنان در طول زمان می‌گردد.

د. بعد اخلاقی: افراد اعم از کودک و نوجوان در پاسخ به والدین، دوستان و هنجارهای اجتماعی، تشخیص درست را از نادرست، در طول زمان، می‌آموزند و نظام ارزش‌های اخلاقی خود را تدوین و تحکیم می‌نمایند.

ح. بعد جنسی: در این بعد فرد کارکردهای اندام بدن خود را یاد می‌گیرد، به نحوه مراقبت از بدن خود پی می‌برد، هویت جنسیتی خود را درک می‌کند، شیوه بیان احساسات خود را از جنسیت خود می‌آموزد، نحوه همسرگزینی و داشتن روابط سالم جنسی را فرا می‌گیرد. نتیجه اینکه تربیت جنسی تحت تأثیر سایر ابعاد تربیت اعم از جسمانی، روانی، اجتماعی، معنوی، اخلاقی و... قرار دارد.

می‌شود و می‌تواند در مخاطب ایجاد انگیزه نماید و او را علاقه‌مند به شنیدن مباحث سازد.

در محور «چه کسی؟» براساس روند و چارچوب محتوای آموزشی، تقدم و تأخر بیان مفاهیم مشخص می‌شود که در مبحث چه مطلبی مورد بحث قرار گیرد.

محور آخر، یعنی «چگونه؟» در خصوص ابزارهایی است که در انتقال مفاهیم از آن استفاده می‌شود مانند اسلاید، فیلم، مولاژ و... بنابراین مشاوره‌ای که به آموزش مباحث تربیت جنسی می‌پردازد باید اطلاعات علمی و پزشکی دقیق در مورد موضوعات جنسی انسان داشته باشد، مسلط بر موضوع باشد، بتواند به راحتی درباره آن صحبت کند و دارای شایستگی فرهنگی و توانایی برقراری ارتباط با مخاطب نیز باشد. او همچنین باید از مهارت‌های تدریس مؤثر بهره گیرد، محیط یادگیری راحت و ایمنی را برای همه مخاطبان فراهم آورد و با استفاده از روش‌های تدریس مختلف مخاطبان را علاقه‌مند سازد و فعالانه درگیر آموزشی نماید.

۹. در بیان یا ارائه مباحث تربیت جنسی، مشاوران باید به شرایط بوم‌شناختی، فرهنگی و قومیتی مخاطبان آگاهی لازم را داشته باشند تا زبان مشترکی بین آن‌ها و مخاطب وجود داشته باشد. شناخت مخاطب نیز، مستلزم شناخت بافت و زمینه فکری و فرهنگی اوست.

در هر جامعه و هر فرهنگی، موضوعاتی وجود دارد که از حساسیت خاصی برخوردارند و یکی از آن‌ها موضوع جنسیت و مفاهیم جنسی است. لذا باید با در نظر گرفتن سابقه فرهنگی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، نیازها و مسائلی که مخاطبان با آن مواجه هستند به حوزه‌های تربیت جنسی ورود کرد. مثال‌هایی که در کلاس ارائه می‌شود باید مخاطبان را در درک مسائل و رویارویی با آن‌ها بنا به ساختار فرهنگی - اجتماعی که در آن قرار

دارند یاری دهد و حتی در مواردی که نیاز به تغییر رویه‌های فرهنگی و کلیشه‌های آن در خصوص مفاهیم جنسیتی و جنسی وجود دارد باید این امر دقیقاً با تأکید بر شرایطی که مخاطب با آن درگیر و مواجه است انجام شود.

۱۰. شناخت سبک زندگی و کیفیت زندگی مخاطبان، در شیوه‌های ارائه مفاهیم و مسائل تربیت جنسی بسیار

آموزش‌های مربوط به تربیت جنسی باید به‌نحوی ارائه شود که مغایر با ارزش‌های فردی و هنجارهای گروهی مخاطبان نباشد. هر سوء تعبیری که در این زمینه رخ دهد، مقاومت افراد را در پذیرش دانش، نگرش و رفتار جنسی مناسب افزایش می‌دهد

نه گفتن، رعایت بهداشت فردی و سایر ابعاد خودمراقبتی در این عرصه را شامل می‌شود.

۱۳. ایجاد فضای امن و به‌دور از قضاوت در حین ارائه مباحث تربیت جنسی از اهمیت زیادی برخوردار است. این بدان معناست که مشاور هنگامی که در خصوص این مباحث صحبت می‌کند به‌جای ارزشگذاری افراد مثلاً گفتن قربانیان نادان، آزارگران پست‌فطرت و مانند این‌ها، به مخاطبان این اشراف را بدهد که اگر در این نقش‌ها بوده‌اند نیاز به درمان تخصصی دارند و لازم است آسیب‌های روانی که تاکنون دیده‌اند و منجر به تجاری از این نوع شده است به‌طور علمی توسط یک متخصص در این حوزه برطرف گردد.

۱۴. استفاده از روش‌های آموزشی مناسب که در آن امکان تبادل نظر بین مشاور و مخاطب اعم از والدین و نوجوانان فراهم آید. برای تحکیم میانی ارزشی و اخلاقی می‌توان از دیدگاه‌ها و سخنان عالمان دینی بهره گرفت به‌نحوی که مسئولیت افراد در حفظ خود و تداوم نسل به‌لحاظ مذهبی و اعتقادی برای مخاطبان تصریح گردد.

۱۵. استفاده از فرصت‌های تمرین رفتار به‌طوری که در آن مخاطبان شیوه‌های برخورد با موقعیت‌های آزار جنسی و نامطلوب را تمرین نمایند و با بازخوردی که از مشاور و همکلاسی‌های خود دریافت می‌کنند رفتار خود را بهبود بخشند.

۱۶. مدرسه به‌عنوان جامعه یادگیری سالم باید از لحاظ ساختمان و تجهیزات و نیز از نظر احساسی و فکری محیطی امن و مطمئن باشد. از این رو با توجه به اینکه دانش‌آموزان به لحاظ قومی، اقتصادی و اجتماعی، گرایش جنسی و هویت جنسیتی؛ و سطح یادگیری و آموزش، متفاوت هستند باید شرایط برای تربیت آنان طوری فراهم شود که بتوانند در مورد مسائل مربوط به تمایلات جنسی مانند روابط خانوادگی، نقش‌های جنسیتی، هنجارهای جنسی و رفتارهای مربوط به آن شناخت و مهارت کافی را کسب نمایند. برای نیل به این منظور مشاوران و معلمان باید به‌طور مداوم برای ایجاد فرهنگی در مدرسه تلاش کنند که یادگیرندگان به‌طور مستمر به‌ارزیابی نگرش خود و تعصبات بالقوه و به‌دست آوردن دانش در مورد تجربیات و باورهای خود بپردازند و بتوانند در روابط و تعاملات با دیگران از خود مراقبت نمایند.

۱۷. بخش عمده‌ای از اقدامات مشاوران در مدرسه، اصلاح و تغییر برنامه درسی پنهان در مدرسه است که خود عامل ایجاد و تشدید رفتارها، اطلاعات و نگرش‌های جنسی نادرست و بعضاً مضر به حال دانش‌آموزان است. بنابراین در تربیت جنسی تمامی عوامل مدرسه همراستای مشاور باید رفتارها، نگرش‌ها و اطلاعات مناسب و درخور سن کودک و نوجوان را به وی ارائه دهند. هرگونه تناقض و تشدید در

مؤثر است. به‌عنوان مثال در مبحث مراقبت از خود در مقابل بیگانگان و افراد غریبه، مثال‌هایی که برای کودک یا والدین ارائه می‌گردد باید متناسب با سبک زندگی آنان باشد. برای افرادی که دارای خانواده‌های گسترده‌اند و در خانه‌های پرجمعیت زندگی می‌کنند و یا دامنه ارتباطشان با همسایگان وسیع است ذکر مثال‌هایی که به آنان مفهوم غریبه را انتقال دهد بسیار متفاوت است از کسانی که در خانواده‌های هسته‌ای یا کم‌رفت‌و‌آمد زندگی می‌کنند. ترسیم باید‌ها و نیاید‌ها در روابط و شکل برقراری ارتباط با کودک و نوجوان از جمله مسائلی است که حتماً باید با توجه به سبک زندگی و کیفیت زندگی مخاطبان مورد توجه قرار گیرد. در غیر این صورت اطلاعاتی به افراد منتقل می‌شود که به‌دلیل کاربردی نبودن آن‌ها در شرایط واقعی که افراد با آن مواجه هستند صرفاً دانش، نگرش و رفتارهایی را مورد بحث قرار داده است که بر سطح مهارت‌های مراقبت از خود در کودک و نوجوان یا اعضای خانواده نمی‌افزاید، بلکه آن‌ها را به‌شدت دچار تردید و چالش می‌کند. بنابراین در مطرح نمودن مباحث تربیت جنسی بیش از هر چیزی سبک و کیفیت زندگی مخاطبان باید مورد توجه مشاوران قرار گیرد و این نکته در تمامی آموزش‌ها لحاظ شود. ۱۱. آسیب‌شناسی تربیت جنسی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ بدین معنی که تصحیح سوءتعبیرها یا برداشت‌های نادرست از تربیت جنسی، مراقبت از خود، آزار جنسی، بهره‌کشی جنسی و سایر مفاهیم مرتبط با آن، از اهمیت بالایی برخوردار است. چه بسا بخشی از مخاطبان، قربانیان آزار جنسی یا بهره‌کشی جنسی بوده‌اند و بنابراین تشخیص اینکه تجارب و دانش قبلی مخاطب در خصوص این موضوع یا مسائل مرتبط با آنچه می‌باشد در انتقال مفاهیم بسیار تأثیرگذار است و می‌تواند زمینه‌ساز درک عمیق‌تر و مشارکت بیشتر مخاطبان شود.

۱۲. تعیین رویکرد آموزشی در ارائه مباحث جنسی بسیار ضروری است. رویکرد روان‌شناسی اجتماعی بندورا، که در آن رفتار «حاصل کنش متقابل باورها، تصورات و انتظارات از یک سو و محیط از سوی دیگر است»، با رفتار آشکاری که از فرد سر می‌زند، از اهمیت بالایی برخوردار است. مشاور باید بداند مفاهیمی که ارائه می‌کند هر سه حیطه را در برداشته باشد بدین معنی که نه تنها باید دانش، آگاهی و نگرش افراد نسبت به تربیت جنسی اعتلایابد بلکه نسبت به مدیریت و مهندسی محیطی که ریشه در کنترل محرک و مراقبت محیطی دارد نیز باید آگاهی لازم ارائه شود و همچنین صلاحیت رفتار و کارآمدی رفتار افراد نیز مورد توجه قرار گیرد و مطابق با مفاهیم و شرایط، صلاحیت‌های لازم رفتاری نیز ارائه شود. این صلاحیت‌های رفتاری،

تربیت، به‌ویژه تربیت جنسی، زمینه‌ساز تعارضات و مشکلات روانی و رفتاری در یادگیرندگان و مخاطبان است.

۱۸. مورد دیگری که مشاوران مدارس باید به آن توجه داشته باشند حضور دانش‌آموزان معلول یا دارای نیازهای خاص است. این گروه از دانش‌آموزان، بالقوه در معرض آزار و بهره‌کشی جنسی قرار دارند. از این رو برای آنان نیز باید باتوجه به شرایط خاص‌شان علاوه بر انتقال دانش، نگرش و مهارت‌های موردنیاز برای مراقبت از خود، آموزش‌های پیشگیری از سوءاستفاده و آزار جنسی را لحاظ کرد تا بدین وسیله آنان درک بهتری از شرایط خود بیابند و خانواده نسبت به شرایط آن‌ها حساس‌تر و پاسخگوتر گردد.

۱۹. مباحثی که در تربیت جنسی ارائه می‌شود باید براساس سطوح سه‌گانه پیشگیری استوار باشد، یعنی در، **سطح اولیه** جنبه آگاهی‌رسانی داشته باشد تا افراد با سطوح مختلف اقتصادی، اجتماعی و جمعیت‌شناختی از این اطلاعات بهره‌مند شوند؛ در **سطح ثانویه**، باید افراد در معرض خطر شناسایی شوند و آموزش‌های خاص‌تر و کاربردی‌تر به آنان داده شود در این سطح آموزش‌ها در جهت هشدار دادن و حساس ساختن افراد نسبت به تهدیدات و شرایط نامناسبی است که ممکن است آن‌ها را دچار مشکلاتی همچون مورد آزار جنسی قرار گرفتن، ارتباطات ناسالم و... نماید. در **سطح ثالثیه** پیشگیری، آموزش‌ها باید متوجه افراد آسیب‌دیده و قربانیان شود. از این رو در این سطح وجود درمانگران و افراد متخصص در این حوزه برای درمان باید مورد توجه قرار گیرد باید در نظر داشت چه قربانی و چه آزاردهنده و متجاوز هر دو باید تحت درمان روان‌شناختی قرار گیرند. از این رو مشاوران باید با ایجاد جو مناسبی در جلسات آموزشی و گرفتن بازخورد و دادن فرصت بیان تجارب شخصی قادر باشند اطلاعات خود را مطابق با این سطوح در اختیار افراد قرار دهند و زمینه ارتقای تربیت جنسی و سلامت جنسی-روانی را برای مخاطبان اعم از والدین و یا کودکان و نوجوانان فراهم آورند.

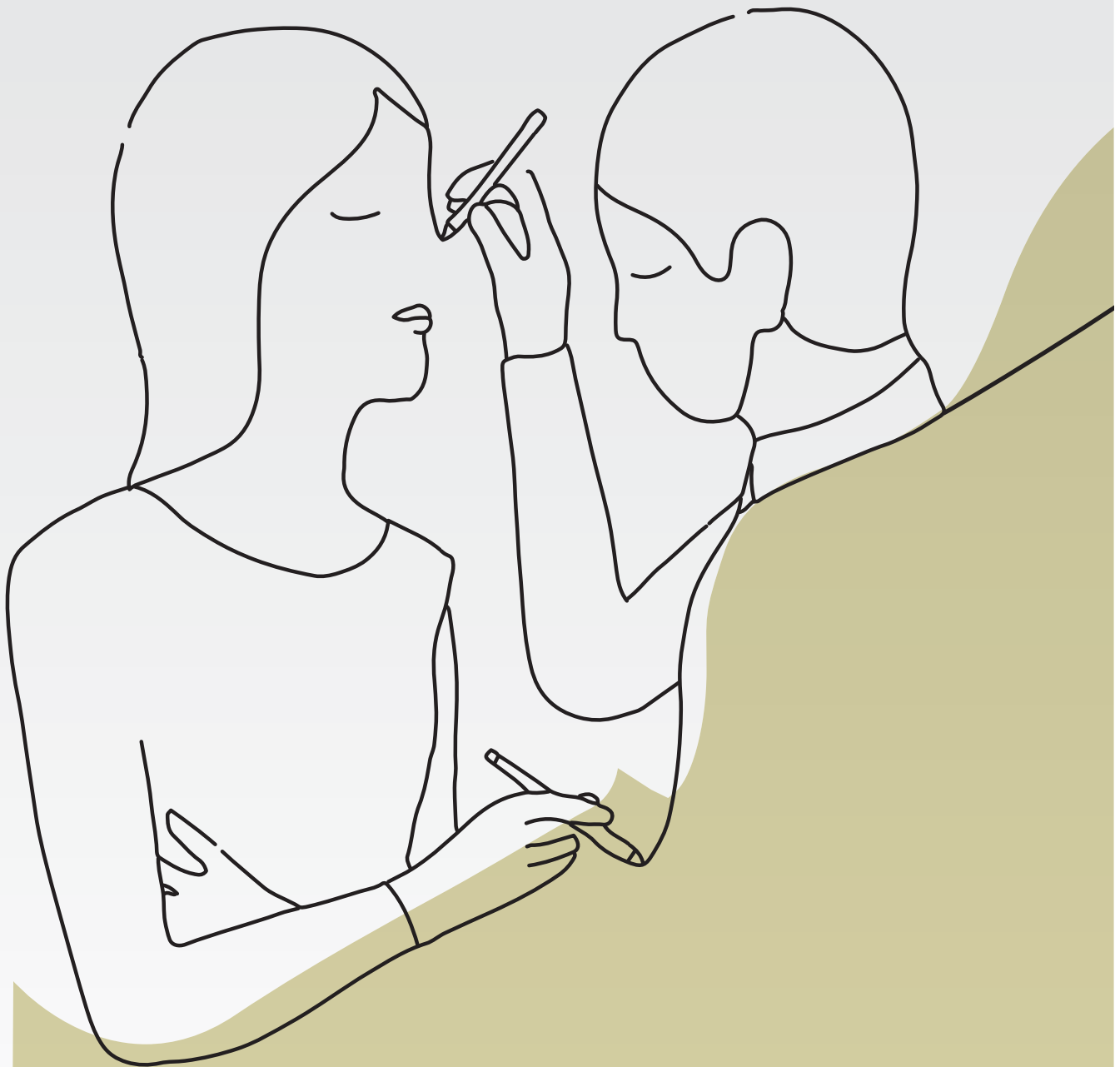
بحث و نتیجه‌گیری

در هر آموزشی، افراد آموزش‌دهنده خود باید برخوردار از

صلاحیت‌هایی باشند تا آموزش‌های آنان بر مخاطبان‌شان تأثیرگذار باشد. این صلاحیت‌ها شامل داشتن اطلاع و علم کافی نسبت به محتوای آموزش، برخورداری از مهارت‌های اجتماعی و توان متقاعدسازی است. علاوه بر این باتوجه به ماهیت تربیت جنسی که در بافت و زمینه بین فردی و اجتماعی صورت می‌گیرد، ضرورت شناخت مخاطب، نیازهای فردی و اجتماعی، شرایط اقتصادی، اجتماعی، قومیتی و فرهنگی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. برای اینکه مباحث تربیت جنسی در چارچوب مشخص و روشنی ارائه گردد باید تمرکز بر اهدافی روشن و نتایج رفتاری داشته باشد. استفاده از یافته‌های پژوهشی و مبانی علمی میزان مقبولیت و قابل اعتماد بودن مشاور را در چشم مخاطب افزایش می‌دهد؛ علاوه بر اینکه آموزش‌های مربوط به تربیت جنسی باید به‌نحوی ارائه شود که مغایر با ارزش‌های فردی و هنجارهای گروهی مخاطبان نباشد. هر سوء تعبیری که در این زمینه رخ دهد، مقاومت افراد را در پذیرش دانش، نگرش و رفتار جنسی مناسب افزایش می‌دهد. در تربیت جنسی، برای افزایش درک شخصی از خطرات مربوط به این حوزه، مشاور باید مسائل را به‌نحوی بازگو کند که مخاطبان رعایت اصول سلامت جنسی را، به‌لحاظ شخصی و هویتی، بر خود لازم بدانند. در آموزش‌های مشاوران نقش همسالان، فشارهای اجتماعی و تأثیرات آن باید به دقت مورد بحث قرار گیرد و توجه به بعد مهارت‌آموزی در این آموزش‌ها مورد تأکید و توجه باشد. اطلاعاتی که در اختیار افراد قرار می‌دهند باید کاربردی بوده و به افراد برای گرفتن تصمیمات و رفتارهای ارتقا‌دهنده سلامت جنسی کمک کند. در آموزش مباحث تربیت جنسی حتی الامکان از راهبردهایی استفاده شود که در آن سطح اطلاعات و تعامل با مخاطبان مورد توجه قرار بگیرد و بنا به سن و یادگیری‌های قبلی از روش‌های تدریس، و مواد آموزشی مناسب استفاده شود.

پیشنهاد‌های کاربردی

۱. دریافت گواهی مشاوره تربیت جنسی از مراکز معتبر؛
۲. در اختیار داشتن منابع علمی، اسلامی و بوم‌شناختی در خصوص تربیت جنسی؛
۳. اشراف داشتن مشاور به شیوه‌های تدریس و نیز یادگیری



- مباحثی که جنبه نگرشی و عاطفی آن‌ها به همان اندازه جنبه دانشی دارای اهمیت است؛
۴. استفاده از ابزارهای مختلف و متنوع آموزش مباحث تربیت جنسی مانند اسلاید، فیلم، مولاژ، پازل و...؛
۵. رعایت شئون افراد با توجه به سن، جنس، قومیت، فرهنگ، تجارب قبلی و... در آموزش این مباحث؛
۶. در نظر گرفتن عرف و رفتار سایر اعضای خانواده با کودک و نوجوان و ارائه راهکارهای مناسب در این خصوص؛
۷. پیشنهاد مجموعه کتاب‌های معتبر علمی و مذهبی در خصوص تربیت جنسی؛
۸. بیان آثار و پیامدهای ناشی از عدم ارائه مباحث تربیت جنسی به‌عنوان مقدمه و عامل برانگیزاننده مخاطبان برای حضور در جلسات
- و توجه به مباحث؛
۹. استفاده از سایر متخصصان در بیان مسائل مربوط به تربیت جنسی، روان‌شناسان، متخصصان مامایی، روان‌پزشکان؛
۱۰. طراحی بروشورهایی به زبان ساده براساس مباحث ارائه شده در کلاس تا به افراد، هم در جمع‌بندی مطالب و هم در انتقال موضوعات تربیت جنسی، در محیط خانواده کمک کند؛
۱۱. استفاده از مشاوران همجنس در بیان مباحث تربیت جنسی.

منابع

1. Campos. David(2002). sex, Youth, and sex Education: A Reference Handbook. ABC - CLIO Corporate
2. Guidelines for the sexual Health Education Component of Comprehensive Health Education.
<http://www.sde.ct.gov/sde/cwp/view.=2613&q=333720>